



مفهوم‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی باتکیه بر آیات و روایات

مهدی جعفر زاده دیزآبادی: دانشجوی دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث قم
سید علی شفیعی*: استادیار، گروه بیوشیمی و ژنتیک، دانشگاه علوم پزشکی قم

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

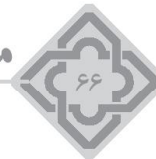
سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۸-۶۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۴/۱۷

چکیده

در جامعه به دانشگاه و دانش علوم پزشکی نوعی نگاهی افراطی وجود دارد که علوم پزشکی را به اسلامی و غیر اسلامی دسته بندی می نماید. به طوری که اگر مباحث پزشکی کاملاً از قرآن و احادیث منبعث شده باشد و بعضی از رفتارهای قشری مذهبی در دانشگاه علوم پزشکی بارز باشد آن را اسلامی می پندارند. این مقاله در گام اول به نقد و بررسی دیدگاه فوق و در گام دوم به بررسی ویژگی‌های دانشگاه اسلامی می پردازد. با توجه به مباحث مطرح شده می توان گفت: چون قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه برای هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لزومی برای ورود به امور و علوم دیگری برای آن وجود ندارد؛ از طرفی با آنکه پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) حامل تمام علوم بودند و علم خود را نیز منبعث از قرآن می دانستند، همواره تأکید بر علم آموزی داشته و حتی در امور پزشکی نیز از طبیب بهره می بردند. از این رو نمی توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد. همانطور که می دانیم دانشگاه یکی از مراکز مهم و مؤثر در گسترش علوم می باشد. پس باید دانشگاه در جامعه اسلامی نیز هم‌راستا با اهداف اسلام در تربیت جامعه عمل نماید. به منظور فراهم شدن این مهم دانشگاه اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی باشد، برخی از مهمترین آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش، اهتمام به تولید علم به عنوان ابزار مهم قدرت نرم، توجه به اهمیت ترکیه، خودسازی و همچنین احساس مسئولیت نسبت به امت اسلام داشتن است. در غیر این صورت صرف وجود دانشگاه در یک کشور اسلامی، دانشگاه اسلامی نخواهد بود.



۱- مقدمه:

وقتی بحث اسلامی کردن دانشگاه‌ها و دانشگاه اسلامی خصوصاً در ارتباط با طب و پزشکی به میان می‌آید به علت وجود روایات و توصیه‌های متعدد از ائمه اطهار(ع) درباره بعضی از بیماری‌ها یا خوراکی‌ها، عده‌ای تصور می‌کنند وقتی این هدف تحقق می‌یابد که بعضی از رشته‌های دانشگاهی بر مبنای علوم تجربی مانند طب به درون حوزه آورده شود یا اینکه منابع درسی دروس پزشکی بر مبنای احادیث و روایات یا شواهدی که در قرآن بر اثر بخشی یا درمان از طریق بعضی از روشها آمده است نگارش گردد. تبلور این تفکر را می‌توان در برگزاری ۴۲ کنگره با عنوان طب و دین در یک سال و رشد طب سنتی بر اساس احادیث و روایات (طب رضا) از ائمه اطهار(ع) توسط افراد ناآگاه به دانش پزشکی مشاهده نمود که بعضی اوقات برای درمان ده‌ها بیماری با علل کاملاً متفاوت نسخه یکسان پیچیده می‌شود بطوری که یک عطاری نقش و شأن یک بیمارستان فوق تخصص را برای خود قائل می‌شود.

تصور این افراد بر این است زمانی یک رشته و به خصوص دانشگاه، اسلامی می‌باشد که منابع دینی اشاره‌ای هرچند به اختصار در بعضی از مباحث کرده باشند و آن رشته یا دانشگاه به تفکر در علوم پرداخته و یافته‌ها را با توجه به شواهدی از قرآن و روایات به اسلام منتسب نماید. در بیشتر موارد، این افراد با نیت خیر و بطور غیر مستقیم در صدد بیان این نکته هستند که تمام علوم در قرآن و سنت، ولو حتی به اشاره بیان شده و دین اسلام از این لحاظ، جامع و کامل است.

بنابراین در این مقاله در صدد آن هستیم که ابتدا تفکر فوق را به اختصار نقد نموده و لزوم رشد دانشگاه‌ها و رشته‌های دانشگاهی در همه علوم خصوصاً رشته‌های مرتبط با پزشکی را متذکر شویم و در گام بعد، ویژگی‌های دانشگاه اسلامی (در حوزه پزشکی و درمان) از دیدگاه روایات خصوصاً احادیث منتسب به رسول اکرم (ص) بررسی نماییم.

۲- بررسی امکان استخراج علوم پزشکی از قرآن

در قرآن آیات و اشاره‌های مستقیم و غیر مستقیم زیادی در خصوص مسائل پزشکی و موارد مرتبط با آن ذکر شده است علاوه بر این اشارات، مسایل دیگری نیز مشاهده می‌گردد که مربوط به علوم دیگر است و می‌تواند راه‌گشای بسیاری از تحقیقات جدید در حوزه سلامت محسوب گردد. به هر حال ایده‌های مختلف مطرح شده در قرآن بخصوص زمانی که عبارت «تفکر» را نیز به دنبال دارد حوزه بسیار مناسبی برای تحقیق در مباحث پزشکی است و خود می‌تواند از سرفصل‌های کاری مراکز مهم تحقیقاتی و پزشکی جهان اسلام باشد. در این شرایط سؤال این است که آیا قرآن یک کتاب تخصصی در علوم مختلف است، آیا اشارات به علوم مختلف که البته از صحت، دقت و نواندیشی خاصی نیز برخوردار است، می‌تواند قرآن را در طبقه کتب فنون مربوطه قرار دهد و با میزان علوم تجربی آن را سنجید، آیا این کار صحیح و منطقی است؟

۲-۱- دلالت بر جامعیت قرآن کریم به استناد آیات

خداوند در بخشی از آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: « وَ تَزَكِّيْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ: و این کتاب

را که بیانگر همه چیز است بر تو نازل کردیم». طبق این آیه، قرآن کریم تبیان است برای همه چیز؛ چه امور مربوط به هدایت و چه امور غیر آن.

سؤال می شود این است که آیا همه چیز از جمله همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟ و آیا می توان با استناد به این آیه برای کشف علوم و قوانین مختلف عالم طبیعت به قرآن کریم اکتفا نمود؟ با مراجعه به کتب تفسیری مفسران شیعه و اهل سنت در می یابیم که آیه مورد بحث مطلق نیست بلکه مقید به اموری است که به اختصار عبارتند از:

۱. امور دینی؛ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۶؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۶۷؛ حسینی، ۱۳۶۳: ۲۶۶؛ شبر، ۱۴۱۲: ۲۷۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۴۳؛ قمی، ۱۳۶۸: ۲۵۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۵۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۷۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۲۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۲). به عبارت دیگر، هیچ مطلبی مربوط به امور دینی نیست مگر آن که قرآن پرده از آن برمی دارد یا بطور صریح در آن بیان شده و یا این که انسان را به سرچشمه علم و آگاهی که پیامبر اکرم (ص) و جانشینان بر حق او هستند و یا به اجماع امت راهنمایی می کند. بنابراین تمام دستورات دینی مستفاد از قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۴)؛

۲. امور دینی و دنیایی که انسان به آن ها نیازمند و محتاج است و اگر خداوند این امور را برای انسان بیان سازد در قیامت بر خداوند احتجاج می نماید (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۱۰)؛

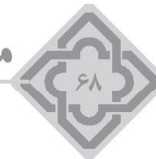
۳. امور مربوط به تربیت و انسان سازی و تکامل فرد و جامعه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۱)؛

۴. امور مربوط به هدایت انسان:

با توجه به این که قرآن کتاب هدایت است؛ در نتیجه بایستی آیه مورد بحث را مقید به امور مربوط به هدایت انسان دانست؛ همان گونه که علامه طباطبایی در این باره می گوید: «چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است و جز این، کار و شأنی ندارد لذا ظاهراً مراد از «لِكُلِّ شَيْءٍ» همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواظبی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاج هستند و قرآن تبیان همه اینها است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵).

به همین دلیل در ادامه آیه؛ هدایت، رحمت و بشارت بودن قرآن را مخصوص مسلمانان برمی شمرد و می فرماید: « وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ: یعنی کسانی که حاضر شده اند در برابر حق تسلیم شوند». این است هدایتی که مسلمین به وسیله آن به سوی صراط مستقیم راه یافته و رحمتی است از ناحیه خدای سبحان به سوی ایشان که به وسیله عمل به آن، به خیر دنیا و آخرت رسیده به ثواب خدا و رضوان او نائل می گردند، و بشارتی است برای ایشان که به ایشان مغفرت و رضوان و بهشت های خدا را که در آن نعم مقیم است نوید می دهد. (همان)

البته باید توجه داشت با آن که قرآن کتاب هدایت و انسان سازی است و در این زمینه چیزی را فروگذار نکرده است اما در برخی از موارد به تناسب بحث های توحیدی و تربیتی، پرده از روی قسمت های حساسی از علوم و دانش ها برداشته است و گاهی انگشت روی جزئیات گذارده و تمام ریزه کاری ها را بیان می کند. مانند احکام نوشتن قراردادهای تجارتي و اسناد بدهکاری که در طولانی ترین آیه قرآن یعنی آیه ۲۸۲



سوره بقره طی ۱۸ حکم بیان شده است. و گاهی مسایل حیاتی انسان را به صورتهای کلی و کلی‌تر مطرح می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۳).

۲-۲- دلالت بر جامعیت قرآن کریم در روایات

روایاتی وجود دارد که قرآن را تبیان هر چیزی معرفی کرده و بیان می‌دارد که علم «ما کان و ما یکون و ما هو کائن» یعنی آنچه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود، همه در قرآن هست. از جمله این روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «کِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ، وَ خَيْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَ فَضْلٌ مَا بَيْنَكُمْ، وَ نُحْنُ نَعْلَمُهُ: قرآن است که در آن است خبر آنچه پیش از شما بوده و خبر آنچه بعد از شما باشد و فصل قاطع اختلافات شما است و ما آن را می‌دانیم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱)؛

۲. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلَّ شَيْءٍ، حَتَّى وَ اللَّهُ، مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ: لَوْ كَانَتْ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ: به راستی خدای تبارک و تعالی قرآن را برای بیان هر چیز فرو فرستاده تا آنجا که بخدا چیزی را وانگذازده که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده‌ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود مگر اینکه آن را هم خدا در قرآن فرو فرستاده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹)؛

۳. امام صادق علیه السلام: «وَ اللَّهُ إِلَيَّ لِأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ: به خدا سوگند من به آنچه در آسمان و زمین، بهشت و جهنم وجود دارد و همچنین آنچه بوده و تا روز قیامت می‌باشد آگاه می‌باشم ..» سپس در ادامه فرمودند: «أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ [اللَّهِ] أَنْظُرُ إِلَيْهِ هَكَذَا ثُمَّ بَسَطَ كَفَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ: این علم و آگاهی من از کتاب خداوند است. راوی می‌گوید در این موقع به کتاب اینگونه نگاه کردم و دیدم که امام دو دستش را باز کرد و فرمود خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خود فرموده است که ما قرآن را که بیان همه چیز است را برای تو نازل کردیم» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۷).

این روایات، منشأ علم امام (ع) را قرآن معرفی می‌کنند و از آن جایی که علم امام گسترده است و شامل هر چیزی که مردم بدان احتیاج دارند می‌شود در نتیجه قرآن نیز بایستی شامل همه این علوم تا قیامت باشد در حالی که الفاظ و ظواهر آیات قرآن این گونه نیستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲).

برای حل این مسأله می‌توان ۳ موضوع بیان نمود:

۱. مراد از تبیان بودن قرآن، اعم از بیان به طریق دلالت لفظی باشد و هیچ بعدی هم ندارد که در قرآن کریم اشارات و اموری باشد که آن اشارات از اسرار و نهفته‌هایی کشف کند که فهم عادی و متعارف نتواند آن را درک نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵)؛ چرا که «تبیان» به معنای انکشاف و وضوح است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۶۷)؛ و این انکشاف ممکن است مستقیماً یا به واسطه علم به برخی از اصول و رموز کلی حاصل شود. در مقام تشبیه می‌توان قرآن را به نور چراغ تشبیه کرد که به واسطه آن می‌توان حقایق اطراف را مشاهده کرد.

۱. امام صادق علیه السلام: «...يَا هِشَامُ لَا يَحْتَاجُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ بِحُجَّةٍ لَا يَكُونُ عِنْدَهُ كُلُّ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ».

در این صورت می‌توان منشأ کشف حقایق را نور چراغ دانست. پس طبق این بیان می‌توان گفت که قرآن، تبیان هر چیزی است یا با الفاظ صریح و یا با الفاظ رمز آلود و اشاره گونه و با این بیان، علم امامان نیز از قرآن ناشی می‌شود.

از همین رو هر کسی نمی‌تواند به اسرار قرآن دست یابد و تنها امامان معصوم هستند که از طریق پیامبر اسلام (ص) به این اسرار آگاهی یافته و از آن بهره‌مند هستند؛ فلذا در روایت اول، این عبارت آمده است: «وَ خُذْ نِعْمَتَهُ» و در روایت دیگر آمده است که علم به تمام قرآن تنها در نزد اهل بیت (ع) است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۹)، و همچنین پیامبر اسلام (ص) در حدیث ثقلین^۱، قرآن و عترت را در کنار هم ذکر فرمودند و تنها راه نجات و هدایت را در تمسک به آن دو دانستند (صفر، ۱۴۰۴: ۴۱۳).

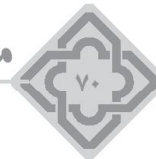
۲. علم امام (ع) از قرآن نیست بلکه مستند به قرآن است. در روایت آمده است که موسی بن جعفر (ع) فرمود: علم ما سه جهت را شامل است: گذشته، آینده و امور حادث و جدید. گذشته برای ما تفسیر شده است و اما آینده (در جامعه و مصحفی که نزد ماست) نوشته شده و اما امور حادث و جدید از راه الهام به دل و تأثیر در گوش باشد (که هر روز و هر ساعت مخصوصاً شبهای جمعه و قدر برای ما حاصل آید) و آن بهترین دانش ماست (زیرا مخصوص بما و از اسرار امامت است ولی با وجود همه این علوم که ما داریم پیغمبر نیستیم) و پیغمبری بعد از پیغمبر ما نیست^۲. و یا در روایتی دیگر، منشأ همه علم امام (ع) را علم او به ۷۲ اسم اعظم الهی بیان شده است^۳. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴)

در نتیجه از این روایات بر می‌آید که منشأ علم امام (ع) به اشیاء، قرآن نیست، اما امام (ع) در مقام اثبات هر آن چه می‌گوید به اصولی کلی که در قرآن وارد شده است استناد می‌کند. همانگونه که در روایت آمده است که امام باقر (ع) فرمودند: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَنَسِئُوا لِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: هر گاه برای شما حدیثی خواندم از من بخواهید که از این حدیث از کجای قرآن به دست می‌آید؟» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۹).

۳. ناتمام بودن الفاظ آیات جهت دست یابی به علوم؛ در نتیجه می‌توان گفت چون قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه در هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لازم نیست در امور و علوم دیگر وارد شود. و اگر هم اینگونه باشد که همه چیز در قرآن بیان شده است، الفاظ قرآن به تنهایی برای رسیدن به آن‌ها کافی نیست و لازم است به اسرار و رموز قرآن آگاهی داشت و این آگاهی تنها در اختیار اهل بیت (ع) می‌باشد و هیچ انسانی بدون کمک اهل بیت (ع) نمی‌تواند بدان دست یابد. از این رو،

۱. امام باقر علیه السلام: «دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَضْحَابَهُ بِمِئَةِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنَّ تَمَسَّكُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷ ش)
۲. امام کاظم علیه السلام: «مَبْلُغُ عَلَمِنَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ مَاضٍ وَ غَائِبٍ وَ حَادِثٍ فَأَمَّا الْمَاضِي فَمُفَسَّرٌ وَ أَمَّا الْغَائِبُ فَمَمْزُورٌ وَ أَمَّا الْحَادِثُ فَقَدْ فُي الْقُلُوبِ وَ نَفْسٍ فِي الْأَسْمَاعِ وَ هُوَ أَفْضَلُ عَلَمِنَا وَ لَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا.» (همان)

۳. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ ع أُعْطِيَ حَرْفَيْنِ كَأَنَّ يَعْْمَلُ بِهِمَا وَ أُعْطِيَ مُوسَى أَرْبَعَةَ حُرُوفٍ وَ أُعْطِيَ إِبْرَاهِيمَ ثَمَانِيَةَ أَحْرُوفٍ وَ أُعْطِيَ نُوحٌ خَمْسَةَ عَشْرَ حَرْفًا وَ أُعْطِيَ آدَمُ خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِمُحَمَّدٍ (ص)، وَ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ ثَلَاثَةٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ (ص) اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَ مَجِبَ عَنْهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ.» (همان)



نمی‌توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره‌گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می‌بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد.

۳- مفهوم‌شناسی «دانشگاه اسلامی»

واضح است که جامعه اسلامی به دانشگاه به عنوان محلی برای کسب علوم و تخصص‌های مورد نیاز برای اداره جامعه نیازمند است؛ اما آن چه مهم است این است که دانشگاه در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که در چارچوب احکام اسلام و اهداف و تقویت جامعه اسلامی حرکت کند. اولین قدم در مسیر رسیدن به این هدف آن است که ویژگی‌های دانشگاه اسلامی را بشناسیم. نگاه اسلامی داشتن به علم، توجه به خودسازی و تزکیه، احساس مسئولیت داشتن نسبت به جامعه و امت اسلامی، از نگاه امام خمینی (ره) (احمدی فشارکی، ۱۳۸۷: هـ) و نیز اهتمام به تولید علم از سوی مقام معظم رهبری^۱ (مدظله العالی) را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه اسلامی برشمرد.

۳-۱- ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش

اولین ویژگی مهم دانشگاه اسلامی این است که نگاهی اسلامی به علم و تخصص داشته باشد. اسلام همواره انسان را از جهل بازداشته و او را به کسب علم و دانش تشویق نموده است. و برای عالمان و دانشمندان احترام ویژه‌ای قائل است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ أَبَاً مِنَ الْعِلْمِ لِيَنْتَفِعَ بِهِ وَ يُعَلِّمَهُ غَيْرَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عِبَادَةَ أَلْفِ سَنَةٍ صِيَامَهَا وَ قِيَامَهَا وَ حَفَّتُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِ طُيُورُ السَّمَاءِ وَ حَيْتَانُ الْبَحْرِ وَ دَوَابُّ الْبَرِّ وَ أُنزِلَ اللَّهُ مَنزِلَةً سَبْعِينَ صَدِيقاً وَ كَانَ خَيْراً لَهُ مِنْ أَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا كُلُّهَا لَهُ فَجَعَلَهَا فِي الْأَخِرَةِ: کسی که از خانه‌اش بیرون رود برای اینکه مطلبی از علم و دانش را طلب نموده و بدست آورد تا بآن نفع و سود برد و آن را به دیگری یاد دهد خدا برای او می‌نویسد به هر فاصله و میان دو گام (ثواب و پاداش) عبادت و بندگی روزه و نماز هزار سال راه، و فرشتگان او را با بالهای خود می‌پوشانند (او را از بلاها و پیش آمدهای بد حفظ و نگهداری می‌نمایند) و پرنده‌های آسمان و ماهیان دریا و جاندارهای بیابان بر او درود می‌فرستند (به زبان خودشان از خدای تعالی خیر و نیکی برای او خواهند) و خدا مقام و منزلت هفتاد (مؤمن) صدیق و بسیار راستگو (که در گفتار و کردار پیغمبران را تصدیق نموده‌اند) به او عطاء می‌فرماید و می‌بخشد، و آن برای او بهتر است از اینکه همه دنیا برای او بوده باشد تا آن را برای آخرت و سرای دیگر قرار دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷).

علم آموزی در فرهنگ اسلامی و سیره پیامبر اعظم (ص) اختصاص به جنس و مکان خاصی ندارد؛ بر مردان و زنان واجب است که در مسیر علم قدم برداشته حتی اگر در مکان‌های دور و غیر اسلامی باشد: پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «اطلبوا العلم ولو بالبعير؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: دانش را فرا

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۱/۲۹. البته ایشان از سال ۸۵ تا سال ۹۱ در سخنرانی‌های مختلف به این مطلب پرداخته‌اند.

گیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ص ۱۱).
به همین دلیل، خداوند جویندگان علم را دوست دارد؛ پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰)؛ همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است: دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه صبح کند و رفت و آمدش در یکی از این دو حالت باشد: یا استاد یا محصل (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴).

۳-۲- اهمیت علم بعنوان ابزار مهم قدرت نرم

منظور از قدرت نرم، جذابیت‌های موجود در یک فرهنگ و تمدن است. این جذابیت‌ها موجب می‌شود که انسان‌ها به سوی آن فرهنگ، متمایل شوند. از این رو به آن قدرت نرم می‌گویند.

امروزه، علم و تکنولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار قدرت نرم است. امام علی (ع) فرمودند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ؛ دَافِعٌ، سُلْطَانٌ وَ قُدْرَةٌ، هَرَّكَهُ أَنْ رَأَى رَأْسَ بَدْرٍ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹).

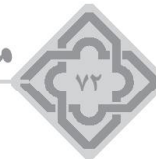
انسان عالم و دانشمند نیز دارای چنین قدرتی خواهد بود و مردم را به سوی خویش متمایل می‌سازد. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ عَلَّمَ شَخْصًا مَسْأَلَةً فَقَدْ مَلَكَ رَقَبَتَهُ فَعَيْلٌ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْبِعُهُ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَا مُرَّةُ وَ يَهَاهُ؛ كَسَى كَسَى بِه شَخْصِي مَسْئَلَةَ يَاد بَدَهْد مَالِكْ أَوْ مِي شُود. عَرَضُ كَرَدَنْدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! يَعْنِي مِي تَوَانْدُ أَوْ رَا بَفْرُوشِد؟ فَرَمُود: نَه، وَلِيَكُنْ مِي تَوَانْدُ بَه أَوْ أَمْر وَ نَهِي كُنْد وَ دَسْتُور وَ فَرْمَان بَدَهْد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴)؛ به همین دلیل است که فرهنگ یک جامعه تحت تأثیر مستقیم دانشگاه و دانشگاهیان قرار دارد. پس اگر جامعه‌ای از نظر علم و فن آوری، پیشرفته باشد برای سایر ملت‌ها دارای جذابیت خواهد بود؛ از این رو به راحتی می‌تواند از این قدرت، حسن استفاده و یا سوء استفاده نماید؛ همانطور که حکومت‌های استکباری از این قدرت در جهت استثمار و استعمار کشورهای ضعیف استفاده می‌کنند.
در نتیجه، یکی دیگر از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، تولید علم و دستیابی به قله‌های برتر فن آوری و تکنولوژی است، تا از این طریق جامعه خویش را هم از بردگی استکبار نجات دهد و هم سایر ملت‌های ضعیف را نجات دهد.

۳-۳- توجه به اهمیت تزکیه و خودسازی

سیاست مهم اسلام در ارتباط با دیگران، «ظلم نکردن و زیر بار ظلم نرفتن» است (بقره/۲۷۹). پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ: خَدَايَا بَه تَو پَنَاه مِي بَرَم از این که ظلم کنم و یا مورد ظلم قرار گیرم» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵۵). از این رو، دانشگاه اسلامی نیز می‌بایست این سیاست را در تمام مراحل علم‌آموزی، تعلیم، دستیابی به فن آوری و تکنولوژی، مدنظر داشته باشد.

هر انسان دانشمندی دارای قدرت است؛ اما حسن استفاده و یا سوء استفاده کردن از این قدرت به تقوا، اعتقاد و تعهد آن دانشمند برمی‌گردد. دانشمندی می‌تواند از قدرت علم خویش در جهت خدمت به مردم و کسب رضایت خدا و جذب مردم به اسلام استفاده نماید که پیش از دستیابی به علم و یا همزمان با آن، خود را تزکیه کرده باشد و نسبت به دنیا و مقام‌های دنیایی، بی‌رغبت باشد.

به همین دلیل است که اسلام، عالمی را تمجید و تحسین می‌کند که تلاش علمی خویش را برای خدا و جلب رضایت خدا مصروف دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هر که دانش را برای خدا بیاموزد، به



هیچ بابی از آن نرسد مگر این که بیش از پیش، خود را حقیرتر بیند، با مردم افتاده‌تر شود، ترسش از خدا بیشتر گردد و در دین کوشاتر شود. چنین کسی از علم بهره‌مند می‌شود. پس باید آن را بیاموزد. اما کسی که دانش را برای دنیا و منزلت یافتن نزد مردم و موقعیت یافتن نزد سلطان و حاکم فرا گیرد به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که خود بزرگ بین‌تر شود و بر مردم بیشتر بزرگی فرود و از خدا بیشتر غافل شود و از دین بیشتر فاصله گیرد. چنین کسی از دانش سود نمی‌برد؛ بنابراین باید (از تحصیل دانش) خودداری ورزد و علیه خود حجت، پشیمانی و رسوایی در روز قیامت فراهم نیاورد» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱).

در نتیجه، یکی دیگر از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی آن است که به تزکیه و خودسازی دانشجو و استاد اهمیت دهد و فضای دانشگاه به گونه‌ای باشد که انسان بتواند در مسیر تزکیه و خودسازی رشد نماید. برای رسیدن به این هدف، ضمن بهره‌گیری از متون دینی و اساتید اخلاق، برگزاری دوره‌های آشنایی با قرآن و نهج البلاغه، احیای امر به معروف و نهی از منکر، لازم است مضرات عالم و دانشمند بی‌تقوا و بی‌تعهد به ایشان یادآوری شود و با معرفی اساتید و دانشجویان متعهد و باتقوا، الگوهای عملی را به دانشجو و استاد ارائه نمود تا دانشجو و استاد بتواند با تأسی به آنها در این مسیر قدم بردارد و رشد نماید.

۳-۴- احساس مسئولیت داشتن نسبت به امت اسلام

توجه و اهتمام به امور مسلمین در سیره پیامبر اسلام (ص) بسیار مهم و با اهمیت است تا آن جا که می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: هر کسی صبح کند و به امور مسلمین، اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳).

این کلام نسبت به همه مسلمان عمومیت دارد و دانشجویان و اساتید را نیز شامل می‌گردد؛ بنابراین دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که به نیاز امت اسلامی و به خصوص جامعه خویش توجه داشته باشد و با تلاش و مجاهدت در مسیر خودکفایی و رفع نیازهای آنان حرکت نماید. این موضوع برای دانشگاه‌های پزشکی که مسئول نظارت و هدایت بیمارستانها و بهداشت عمومی مردم بصورت مستقیم هستند و اقشار مختلف مردم به صورت مستقیم به این بخش‌ها مراجعه می‌کنند پرننگ‌تر است.

۴- بحث:

هدف از نزول قرآن با توجه به احادیث نقل شده از ائمه اطهار (ع) در بخش دوم مقاله و آیات صریح قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت است و وظیفه ائمه اطهار (ع) برای تبیین قرآن در این راستا و چارچوب تعریف می‌شود. بنابراین وقتی قرآن وجوه مختلف هدایت را بیان می‌کند برای روشن شدن بعضی از مباحث در راستای هدایت انسان مثالهایی از طبیعت را می‌آورد، چون فرستنده قرآن خالق جهان است بنابراین مثالها منطبق بر واقعیت است و این چیز عجیبی نیست اما هدف آن آیه یا سوره مطرح کردن یک بحث علمی در زمینه پزشکی نیست زیرا واضح است که با گذشت زمان در هر رشته چنان رشد و پیشرفت صورت خواهد گرفت و حقایق هستی آنقدر عمیق و وسیع است که در هر موضوع علمی صدها رشته و تخصص خارج خواهد شد و هزاران کتاب به رشته تحریر در می‌آید که باز هم در مجموع قطره‌ای از دریای بی‌کران دانش الهی خواهد بود که بخشی از آن بصورت این جهان‌ظهور یافته است.

قرآن در حقیقت کتاب پیامبر برون است که ضرورتی در ورود به حوزه فعالیت پیامبر درون که همان عقل است در خود نمی‌بیند و در حقیقت کامل کننده عقل در زمینه‌هایی است که عقل قادر به ورود در آن نیست. در واقع وقتی که سخنران و واعظ دینی شروع به وعظ و خطابه می‌کند و از احادیث و روایات به منظور آشنایی مستمعین با اسلام استفاده می‌نماید ممکن است از مثالهای مربوط به پزشکی نیز برای تفهیم بحث استفاده نماید. آیا می‌توان چنین استنتاج کرد که شخص در حال بیان و تبیین مسائل مرتبط با علوم پزشکی است و از نظر میزان تسلط وی بر مسایل پزشکی او را مورد ارزیابی قرار دهیم؟

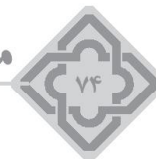
این موضوع درباره ائمه اطهار(ع) و توصیه‌های پزشکی آنان نیز صادق است، به عبارت دیگر ممکن است در مورد بعضی از موارد از توصیه‌های پزشکی که از ائمه اطهار(ع) رسیده استفاده نمود اما به این معنا نیست که طیف بسیار وسیعی از بیماری‌ها را بدون در نظر گرفتن دانش امروزی و پیشرفت وسایل پزشکی کنار گذاشته و در صدد استخراج درمان تمام بیماری‌ها از متون اسلامی و احادیث محدود رسیده از ائمه اطهار(ع) باشیم.

هر چند این نکته قابل انکار نیست که از اشاراتی که در قرآن و احادیث آمده می‌توان استفاده نمود و مسیر تحقیق و پژوهش را بهتر پیمود که سرفرازی دانشمندان مسلمان باعث عزت اسلام خواهد شد، همان‌طوری که دانشمندان قرن‌های اول و دوم از علم ائمه اطهار(ع) استفاده می‌کردند و دانشمندان قرون بعدی از احادیثی که از ائمه اطهار(ع) رسیده بود استفاده کردند و با دانش، فعالیت و نبوغ خود جنبه‌های مختلف علوم را روشن نموده و باعث شکل‌گیری دوره‌ای شدند که در تاریخ مانند گوه‌ری می‌درخشد که باعث عزت اسلام و جهان اسلام است اما کم‌کاری کنونی و عقب ماندگی را باید جبران نمود. اگر اعتقاد ما این است که کتاب و معجزه هدایت در اختیار مسلمانان است، در سایه عمل به دین اسلام که منبعث از قرآن و عترت است باید یک جامعه پیشرفته بسازیم هر چند باید از اشارات و نکات رسیده از ائمه معصومین(ع) به عنوان یک منبع بی‌نقص به منظور برداشتن گام‌های بعدی استفاده نمود نه اینکه سعی در اثبات عدم نیاز به علوم جدید و راه‌های تشخیص و درمان بر پایه علوم جدید کنیم.

استفاده از تخصص و توانایی انسان‌ها در سیره پیامبر و امامان(ع) نیز دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه پیامبر اسلام(ص)، برای درمان زخم مجروحان جنگ از طیب و پرستار استفاده می‌فرمودند و یا برای درمان زخم سر مبارک امیرمؤمنان(ع)، طیب آورده شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴). اگر قرار بود جایگاه یک دانشمند در حوزه درمان و پزشکی را برای ائمه اطهار(ع) قائل شویم ضرورتی نداشت که بر بالین امام(ع) پزشک آورده شود در حالی که امام دیگری در آنجا حاضر است که بر تمام علوم تسلط دارد.

آیا این نوع برخورد امامان معصوم(ع) حاکی از این نیست که شأن و فلسفه وجود امام را در جامعه به عنوان طیب و راهنمای معنوی جامعه و انسانها معرفی می‌کند و با تأکید و توصیه بر علم آموزی که احادیث بسیاری در این زمینه آمده؛ که به چندی از آن در بخش‌های قبل اشاره شده است، در صدد این نیست که در حوزه پزشکی نیز همانند علوم دیگر باید تدبیر و تحقیق شود و بر اساس تدبیر و تحقیق روشهای مختلف تشخیصی و درمانی خارج گردد.

بنابراین لازم است در جامعه اسلامی، تربیت نیروی متخصص در علوم مورد نیاز مورد توجه قرار گیرد. از



این رو دانشگاه و حوزه به عنوان دو مرکز مهم تولید علم و تربیت نیروهای متخصص می‌بایست به طور جدی مورد حمایت و دقت نظر قرار داشته باشد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: «قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان‌طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می‌خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است چون دانشگاه مرکز همه چیز، حتی تشکیل دولت است و باید این مسأله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

از نظر اسلام، فعل و عملی از جانب خداوند کاملاً پسندیده و قابل تأیید است که شخص مسلمان نیت انجام عمل درست و صادقی داشته باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: کاری که ذره‌ای در آن ریا باشد مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۰).

به نظر می‌رسد از نظر اسلامی شخصی مذهبی و مؤمن محسوب می‌شود که کردار و رفتارش برگرفته و هم‌راستا با آموزه‌های اسلامی باشد. به عنوان مثال کارگری که نماز اول وقت را بجا می‌آورد و در ماه رمضان روزه می‌گیرد و کارش را به نحو احسن انجام می‌دهد، کارش نیز به منزله یک عمل عبادی محسوب شده و مستحق پاداش است در حالی که وی به منظور کسب معاش دست به آن کار زده است. این شخص مطمئناً از دید پروردگار یکتا مشابه شخص دیگری که کارش را صحیح و درست انجام می‌دهد تا با جلب اعتماد مشتری و رونق در کار منافع بیشتری کسب نماید یکسان نخواهد بود.

زیرا داشتن نیت درست و انجام کار به قصد قربت الی الله باعث رشد و تعالی فرد و جامعه خواهد شد. بعضاً مغالطه‌ای صورت می‌گیرد که شخص نماز خوانی که کارش را درست انجام نمی‌دهد و غش در کار دارد با شخص کافری که کارش را درست انجام می‌دهد مقایسه می‌گردد در حالی که اسلام به نیت عمل نیز اهمیت می‌دهد چه برسد به انجام صحیح عمل که در سیره پیامبر (ص) انجام درست عمل بسیار تأکید شده است که خداوند دوست دارد انسان کار را درست و کامل انجام دهد (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶: ۳۸۵). بنابراین بحث انجام درست عمل و عمل به وظیفه برای دانشگاه اسلامی و خروجی از این دانشگاه‌ها به طریق اولی مطرح خواهد بود در نتیجه دانشگاهی، دانشگاه اسلامی تلقی می‌شود که:

اولاً رسالت خود را بطور کامل به انجام برساند، یعنی اگر رسالت و وظیفه دانشگاه خلق دانش و تولید علم است این وظیفه به نحو احسن باید تحقق یابد. هنگامی که سعدبن معاذ فوت کرد و خبر به پیامبر (ص) رسید بعد از انجام مقدمات تشییع جنازه و غسل و کفن، پیامبر (ص) شخصاً خشت و لحدها را محکم و با دقت چید و پس از اتمام کار فرمودند: «إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَبْلَى وَيَصِلُ إِلَيْهِ وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» من می‌دانم که این گور (و لحد آن) فرسوده می‌شود و می‌پوسد، لیکن خدا بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، محکم کاری کند، و آن را درست و استوار به انجام برساند (و سرسری نگیرد، و از سر وانکند) (همان منبع)؛

ثانیاً ضوابط حاکم بر دانشگاه در تناقض با احکام اسلامی نباشد؛

ثالثاً: فضای دانشگاه و قوانین و دروس به نحوی باشد که علاوه بر افزایش سطوح علمی - تخصصی دانشجویان، آگاهی‌ها و شناخت آن‌ها نسبت به اسلام و پایبندی به احکام شریعت بیشتر شود.

یعنی پزشکی که در دانشگاه اسلامی تربیت شده و وارد اجتماع می‌شود، شخصی خواهد بود که علاوه بر

وجدان کاری بالا، از دانش و تخصص مناسب برخوردار است و در امر طبابت حاذق خواهد بود علاوه بر آن آگاهی و پایداری فارغ التحصیل نیز به اسلام و رعایت حدود الهی بیشتر خواهد شد. آگاهی و شناخت نسبت به احکام دین و حدود الهی و پایداری عملی به آن در هنگام فارغ التحصیلی نسبت به بدو ورود به دانشگاه بیشتر باشد.

بنابراین دانشگاهی که خود را ملزم به تربیت چنین پزشکی می کند نیاز دارد:

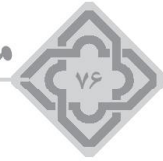
الف: بستری آماده کند که بطور مدام دانشجویان و اساتید را ترغیب به آشنایی با علوم روز دنیا و تشویق به امر تحقیق و پژوهش کند؛

ب: مکانیزمی را نیز در پیش گیرد که اگر در بعضی از مباحث علمی که با احکام شرع ممکن است در تضاد باشد بطور منفعلانه برخورد نکند و بدون چون و چرا تأیید یا تکذیب نکند. به عنوان مثال اگر تصور می شود بر پایه یافته‌های یک پژوهش خوردن شراب برای بهبودی یک بیماری خاص مؤثر می داند بر پایه این دانش که می دانیم از معصوم نقل شده که خداوند شفا را در حرام قرار نداده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۳) به درمان جایگزین و تحقیق بیشتر در شفا بخشی تجویز صورت گرفته پردازد و نه کاملاً خشک که بخشی از علوم و فنون را طرد و رها کند که می تواند با تعامل مناسب با پژوهشکده‌های اسلامی و دینی موارد و احکام مستحدثه را به شور گذارده و طوری در جامعه پزشکی یا دانشگاهی مطرح و اجرا کند که تناقض‌ها به شیوه‌ای مناسب بر طرف گردد؛ مانند بحث‌های مربوط به تولید اجزاء بدن از طریق سلول‌های بنیادی و مسائل مرتبط با آن که غیر از شیعه، اهل سنت و کلیسا کاتولیک هم کاملاً ورود به این مبحث را حرام اعلام کرده و آن را طرد کرده اند.

به عبارت دیگر دانشگاه اسلامی علاوه بر اینکه دغدغه دریافت علوم روز را دارد از طرف دیگر نیم‌نگاهی نیز به اسلام و شریعت دارد. و فضایی را در دانشگاه طراحی می کنند علاوه بر کاهش حداقلی حرکات و رفتارهای ضد دینی نشاط روحی روانی در امر پژوهش و تحصیل نیز در اوج و حداکثر باشد. حدیثی از امام علی (ع) آمده است که کسی که تخصص دارد و دین دار نیست و کسی که دین دارد و اما تخصص ندارد نفع هر دو به جامعه اسلامی کم است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۹۶).

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده می توان بیان کرد قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه برای هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لزومی برای ورود به امور و علوم دیگری برای آن وجود ندارد. از طرفی با آنکه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) حامل تمام علوم بودند و علم خود را نیز منبعث از قرآن کریم می دانستند، همواره تأکید بر علم آموزی داشته و حتی در امور پزشکی نیز از طبیب بهره می بردند. از این رو نمی توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره‌گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد. همانطوری که می دانیم یکی از مراکز مهم و مؤثر در تولید علم دانشگاه است.



پس باید دانشگاه در جامعه اسلامی نیز هم‌راستا با اهداف اسلام در تربیت جامعه عمل نماید. به منظور فراهم شدن این مهم دانشگاه اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی باشد، برخی از مهمترین آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش، اهتمام به تولید علم به عنوان ابزار مهم قدرت نرم، توجه به اهمیت تزکیه و خودسازی و همچنین احساس مسئولیت داشتن نسبت به امت اسلام اشاره نمود، که در غیر این صورت وجود دانشگاه در یک کشور اسلامی، دانشگاه اسلامی نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ۱۰ جلد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلدی، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الأملی (للصدوق)، تهران، چاپ ششم، کتابچی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: المهدی عبدالرزاق، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، ۱۵ جلدی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر.
- احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۸۷). تبیان دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)، چاپ ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، محقق: محمد جمیل صدقی، بیروت، دارالفکر.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه قم، تهران، بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، محقق: جلال الدین محدث، ۲ جلدی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- حسینی، شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.
- شبر، سید عبد الله (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت دار، البلاغه للطباعه و النشر.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق: کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی



- جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی (للطوسی)، قم، دار الثقافة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ۲ جلد، قم، انتشارات رضی.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، ۹ جلدی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- قمی، مشهدی محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره) (۱۳۷۹ش). صحیفه امام، ۲۲ جلدی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.